



به قلم: دکتر محمد جواد لاریجانی

■ مجلس چهارم و برنامه دوم

ژورنال علمی و مطالعات قرآنی

۱. تصویب آئین‌نامه جدید و بدنبال آن تشکیل کمیسیون تلفیق به نحو چشمگیری مجلس و کمیسیونهای مختلف آنرا در بررسی برنامه دوم فعال ساخته است. بدیهی است که مجلس در این اهتمام در موضع نوشتن برنامه جدیدی نبوده و

نخواهد بود. شأن مجلس، بررسی، نقد، اصلاح و تصویب برنامه است و همه اهل فن می دانند که تهیه برنامه، کاری بس دشوارتر است و نیاز به بدنه کارشناسی و اطلاعات وسیع دارد که در وسیع مجلس و ارکان آن نیست. لذا آنچه مجلس در مورد برنامه انجام می دهد به هیچ وجه، درجه ای از اهمیت کاری که دولت محترم و بویژه برادران سخت کوش ما در سازمان برنامه و بودجه انجام داده اند، نمی گاهد.

نکته دیگری که در همین زمینه لازم است یادآوری شود، فضای برادرانه ای است که در همکاری مجلس و دولت محترم جناب آقای هاشمی رفسنجانی موجود است. بسیار اشتباه خواهد بود اگر برخی، نقد مجلس و اصلاح بخشهایی از برنامه دوم را دلیل مقابله مجلس با دولت بدانند. جناب آقای هاشمی رفسنجانی گوهری هستند که به همه ملت تعلق دارند و هر فکر خوب - چه در دولت تهیه شود و چه در مجلس و یا هر جای دیگری - متعلق به ایشان خواهد بود. با این روحیه است که ان شاء الله لایحه برنامه دوم به تصویب می رسد و مسیر توسعه کشور را در پنج سال آینده - که یکی از حساس ترین دوره های نظام افتخار آفرین جمهوری اسلامی ایران است - معین می نماید.

۲. مهمترین محور برنامه دوم چیست؟ به نظر من سیاست تعدیل که در برنامه اول شروع شد، در این برنامه ادامه خواهد یافت. تعدیل اقتصادی یعنی اینکه هر اقدام اقتصادی (تولیدی یا خدماتی) باید براساس «وزن اقتصادی» آن ارزیابی شده و مجوز پیدا کند. برای توسعه کشور که بر دوش مردم و با مشارکت مردم تحقق می یابد، راهی جز تعدیل نیست. زیرا ما می خواهیم کشور به دست مردم با همت ساخته شود و

می‌خواهیم که دولت، وظیفه‌هدایت، نظارت و حمایت را برعهده داشته باشد. این هدف از مسیر تعدیل می‌گذرد. لیکن تعدیل، لوازم ضروری خود را دارد تا زمینه را برای یک اقتصاد مہتني برمکانیزم بازار هموار سازد. در شرایط فعلی به نظر من این لوازم عبارتند از:

* خصوصی سازی

* ایجاد امنیت و انگیزه برای جذب سرمایه

* حمایت حساب شده از بخش خصوصی

با ملاحظه ارزیابی هایی که از عملکرد برنامه اول شده است^(۱) می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که درخت تعدیل به علت حجم وسیع بخش دولتی در اقتصاد، نتوانسته است بهره‌های اصلی خود را رشد دهد و لذا موارد سه‌گانه فوق در جهت تضمین شرایط توفیق برای «سیاست تعدیل» شناخته می‌شود.

۳. یکی از اقدامات مهمی که در برنامه دوم و در تعقیب سیاست تعدیل ارائه شده، افزایش قیمت در مواد سوختی و برق است که عمدتاً در تبصره ۳۱ مطرح شده است. برای توجیه این حرکت لازم نیست به مفاهیمی از قبیل «قیمت واقعی» یک لیتر بنزین متمسک شویم، زیرا قیمت هر کالای نادر دقیقاً به وضعیت خاص ارائه و مصرف آن بستگی دارد و نمی‌توان وجود کالا و یا ندرت آن را به نحو کاملاً مجزا از محیط اقتصادی عرضه آن تصور کرد. بلکه باید این افزایش قیمت را به عنوان یک حرکت

۱- سرکز پژوهشها، گزارشهای مفصلي از عملکرد برنامه اول تهیه کرده است که خلاصه برخی از آنها در شماره های مختلف «مجلس و پژوهش» آمده و برخی به صورت گزارش ویژه بین نمایندگان در پارلمان توزیع گردید، ضمناً تفصیل آنها نیز در اسناد مرکز موجود می باشد.

اقتصادی مورد بررسی قرار دادن و آثار مثبت و منفی آن را محاسبه کرد و سپس تصمیم‌گیری نمود. به نظر من آثار مثبت این اقدام عمدتاً عبارتند از:

- * ادامه سیاست تعدیل
 - * ایجاد درآمد برای دولت، جهت سرمایه‌گذاری‌های لازم در صنعت نفت
 - * تأثیرگذاری در امر صرفه‌جویی در مصرف انرژی
 - از آنجا که از آب نمی‌توان کره گرفت، این اقدام با آثار مهم و کلیت فوق، دارای تبعات منفی جدی نیز می‌باشد که عمدتاً عبارتند از:
 - * افزایش هزینه هر خانوار
 - * افزایش قیمت کالا و خدمات (اثر تورمی)
 - * کاهش مزیت نسبی تولید در ایران (نسبت به سایر کشورها) و تأثیر آن در قیمت کالاهای صادراتی
- طبیعی است که در چنین وضعیتی باید یک سناریوی معتدل کاری اتخاذ نمود، به نحوی که اولاً، با افزایش تدریجی قیمت انرژی، از هرگونه «شوک» تورمی جلوگیری شود. ثانیاً، با مانور در انواع مصارف، فشار روی بودجه هر خانوار - بویژه در سطوح درآمدی پایین‌تر - کاهش یابد و ثالثاً، با مصرف بهینه درآمد ناشی از این افزایش قیمت، بیشترین استفاده، امکان‌پذیر باشد. در لایحه دولت، سناریوی خاصی ارائه شده است و خوشبختانه مرکز پژوهش‌ها نیز آثار این حرکت را به تفصیل در بخش‌های مختلف بررسی کرده است، لذا برای نمایندگان محترم ممکن شده است که تصمیمی بخردانه بگیرند.
- البته افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی باید بخشی از تحول عمده در صنعت نفت

به حساب آید. قدم مهمتری را می توان تصور نمود که در آن صنعت نفت در کشور به عنوان یک صنعت مهم احیا گردد و صرفاً دولت و مردم منتظر بیشترین فروش و درآمد دلاری نفت خام نباشند، بلکه ایران به عنوان یک مرکز مهم و مجموعه وسیعی از صنایع بهم مربوط نفت - از استخراج و تصفیه گرفته تا حمل و نقل و فرآورده و ترکیبات - در سطح منطقه و جهان در آید. با توجه به تعداد کارشناسان برجسته نفتی و سابقه و منابعی که داریم، این هدف صرفاً یک خیالپردازی نیست و می تواند تحقق یابد.

جای این بحث در برنامه دوم کاملاً خالی است و ان شاء الله در شور دوم بتوان آن را به نحو معقولی در برنامه مندرج کرد.

۴. آنچه از جو عمومی مجلس می توان فهمید اینست که مجلس نه تنها با هرگونه «شوکت تراپی» مخالف است؛ بلکه معتقد است که نرخ کمتر - ولی مستمر - رشد، همراه با تورمی مهار شده و ثبات ناشی از آن و بخصوص کاهش فشار روی طبقات کم درآمد، چارچوبهای مورد قبول برای یک برنامه توسعه مناسب می باشد. پیشنهادات و اصلاحاتی که تاکنون در کمیسیون تلفیق به تصویب رسیده است، همه در این محدوده می باشند. آنچه در تبصره هشت در کمیسیون تلفیق پیشنهاد شده، اگرچه در ظاهر روی تحرک دولت در ایجاد تعهدات و یا استمهال آنها قید و بند فراوانی می گذارد، لیکن بدون تردید باعث بوجود آمدن جو ثبات و استقرار است و ما آن را در کوتاه مدت و درازمدت به نفع دولت می دانیم.